

نابسامانی و فقر در قاره سیاه*

مترجم: دکتر م. هنری

بحرانهای زیاد و گوناگون منطقه جنوب صحرای افریقا**

در سال ۱۹۸۴ فریاد چاره خواهی را بلند کرد و پاسخهای دولتهای افریقایی و جامعه بین المللی، نشانههایی از تلاش را نوید داد.

از میان بحرانهای افریقا، کمبود مواد غذایی تشدید شده با خشکسالی، غم انگیزترین آنها در سال ۱۹۸۴ بود که همزمان، جنبش اصلاح طلبی را برانگیخت و چشم اندازهای پیشین شکوفایی اقتصادی را تیره کرد.

وضع اضطراری غذا در افریقا تنها نتیجه یک فاجعه طبیعی ساده نبود که فقط آرام بخشهای موقتی بطلبد، بلکه ریشههای این وضعیت بیشتر در عملکردهای انسانی است. وقتی که شکست در تأمین محصولات کشاورزی در سراسر قاره سیاه همراه با اثرهای پایدار رکود اقتصادی در آغاز سال ۱۹۸۴ آشکار شد، دبیر کل سازمان ملل متحد و مدیر کل سازمان کشاورزی و خواروبار جهانی، پیگیری را برای کمکهای اضطراری به کشورهای مصیبت زده برانگیختند. آنان برای غذا، مواد خوراکی، حبوبات، وسایل حمل و نقل و اعتبار برای کمک به کشورها به منظور پیشگیری از قحطی و همچنین برای توجه بیشتر و بهتر به توسعه به منظور کمک به منابع آسیب پذیر افریقا نسبت به خشکسالی درخواست کمک داشتند.



* R.M.Poats. "Crisis and Response in Africa." The OECD Observer.

No.131, Nov 1984.P.P.26-29.

نویسنده مقاله، رئیس کمیته کمکهای توسعه (DAC) در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است.

** Sub Sahara

برای کسانی که به توسعه هماهنگ توجه دارند، آنچه
که در پی می‌آید می‌تواند گویای آن باشد که در سال بحران
افریقا چه گذشت.

مدیرکل سازمان کشاورزی و خوار و بار جهانی، وضع را به شکل مجموعه‌ای از چهار بحران که هر
کدام دیگری را تشدید می‌کند، وصف می‌نماید:

بحران فنی: از گسترش کشاورزی متکی به باران و چراگاهها به مناطقی ناشی شده که بارندگی کم
اعتبار است؛ خاکهای آسیب پذیر زیر کشاورزی متراکم سنتی از بین می‌رود و کمبود
سازگاری با شیوه‌های پر بازده وجود دارد.

بحران توسعه: ویژگی آن شکست بسیاری از کشورهای افریقایی در برقراری سیاستها و نهادهایی
است که توانایی شکوفا کردن کشاورزی را به عنوان بنیادی برای توسعه ملی گسترده
داشته باشند.

بحران اقتصادی: سرچشمه آن بیشتر خارجی است و با کاهش تقاضای بین المللی و کاستن از قیمت
کالاهای اصلی صادراتی افریقا مشخصتر می‌شود. در حالی که واردات مورد نیاز افریقا
و قیمت برخی از آنها، پیوسته افزایش دارد.

بحران سیاسی: ابعاد بسیاری دارد و جنگ در آنگولا، چاد، اتیوپی، موزامبیک و سومالی؛ هجوم
پناهندگان به شمار به بسیاری از کشورها؛ تشنجهای جنوب آفریقا؛ کودتاها و پریشانیهایی
سیاسی دیگر در آن شمارند.

سه سازمان اصلی منطقه‌ای آفریقا، یعنی کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا، سازمان
وحدت آفریقا و بانک توسعه آفریقا، در فصل بهار نیروهای خود را روی هم گذاشتند تا تحلیلی مشترک
از ماهیت و علت‌های بحران و راه‌های کاهش آن ارائه کنند:

"از نظر داخلی، سیاستهای رسمی چه از نظر سرمایه‌گذاری و چه از جهت انگیزش در اولویت
دادن به مواد غذایی با شکست روبرو شد. به این مشکل، تسلط تولید معیشتی - که ویژگی آن
تولید ابتدایی مواد غذایی و شیوه‌های حفاظت و عمل آوردن است و امنیت غذایی آفریقا را به
سختی دستخوش شرایط منفی آب و هوایی، بیماریها و آفتها می‌سازد - اضافه شد. این وضع با
جابه‌جایی در اولویت مصرف کنندگان - از مواد غذایی افریقایی به مواد غذایی وارداتی -
بدتر شد."

"در زمینه بین المللی، ادامه رکود جهانی - که موجب ناخوشایندی بهای صادرات شده

و دستیابی به بازار کشورهای پیشرفته را کاهش داده بود - همراه با سقوط تولید مواد صادراتی در برخی کشورها، باعث شد که گنجایش وارد کردن تولیدات ضروری و کالاهای مصرفی - از جمله مواد غذایی - کاملاً نادیده گرفته شود. این به نوبه خود به افزایش وابستگی به کمکهای رو به زوال خارجی برای توسعه و کمکهای بحث انگیز مواد غذایی انجامید."

کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا و بانک توسعه آفریقا، گزارش مشترک دیگری زیر عنوان "گزارش اقتصادی آفریقا در سال ۱۹۸۴" منتشر کردند. در این گزارش "ویلا د. مونگومبا"، رئیس بانک توسعه آفریقا و "ادبایو ادی دجی"، دبیر اجرایی کمیسیون اقتصادی برای آفریقا، مشکل مواد غذایی را به ناکامی سیاستها و نهادهای توسعه ملی در کشاورزی و صنعت، تعریف می کنند. آنها بر نقش محوری کشاورزی تأکید می کنند که دو سوم تا سه چهارم اشتغال و بخش عمده ای از صادرات بسیاری از ملتهای رو به توسعه آفریقایی را تأمین می کند.

مشکلات مواد غذایی و کرسنگی، نشانه های نبودن تعادل در فرایندهای توسعه ملی است که همراه با موانع خارجی، بیشتر آفریقاییها را از پیشرفتهای مادی و عدالت اجتماعی - که آنان در پی استقلال با اطمینان انتظارش را داشتند - بی بهره کرده است.

جدیدترین عدم ترازها را در موارد زیر می توان دید: بین منافع تخصیص یافته به وسیله دولتها به شهرنشینان و روستاییان؛ بین انگیزه های فراهم شده برای کشاورزی و برای تجارت؛ بین پس اندازهای ادعایی دولت با آنچه که برای مو، سسه های خصوصی صنعتی و کشاورزی فراهم است؛ بین منابع که صرف داروهای پیشگیری کننده و داروهای درمان کننده می شود؛ بین سرمایه گذاری روی سرمایه های فیزیکی، سرمایه های انسانی؛ و بین میزان رشد جمعیت با میزان رشد اشتغال مواد؛ یا بین سنگینی مشکلات جمعیتی و تلاش اندکی که صرف کاهش آن می شود.

رتال جامع علوم انسانی

○ هم رأیی در چاره ها *

دولتهای آفریقایی و جامعه توسعه بین المللی در سال ۱۹۸۴ به توافقیهای بسیار در زمینه سیاستهای اقتصادی و تدبیرهای نهادی - که برای برخورد با مشکلات درآمدت مواد غذایی مورد نیاز است - دست یافتند.

وزیران دارایی کشورهای آفریقایی و دیگر کشورها در دیدار ماه سپتامبر خود در کمیته توسعه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، این "هم رأیی آشکار" را یادآوری کردند.

گزارش مشترک کمیسیون اقتصادی برای آفریقا و بانک توسعه آفریقا از تغییر جهت بنیادی به

* Consensus (= اجماع)

سوی اقتصاد مبتنی بر بازار، تأمین فرصت بیشتر برای سرمایه‌گذاران خصوصی، بویژه به وسیله کشاورزان و کاسبان خرده‌پا و کاهش نقش دولت در تأمین خدمات عمومی همراه با کارایی بیشتر آن حمایت کردند. مونگومبا و "ادی دجی" رهبران این دو سازمان، در بخشی از گزارشی که امضا کرده‌اند، می‌گویند:

آنچه که ما در این شرایط بحرانی فوریت‌ترین وظیفه می‌دانیم، نیازمند افزایش زیاد در هزینه‌های دولت - که تجربه‌های پیشین آن را طلب می‌کرد - نیست. بلکه نیازمند دگرگونی به‌خردانه در عملهای مؤثر بر مرزها، نظام تعدیل ارز و تجارت، تجهیز منابع داخلی، شرایط سرمایه‌گذاری - بویژه سرمایه‌گذاری خصوصی - مقررات مربوط به کارکرد تولید کنندگان بویژه

شاخصهای بحران توسعه در آفریقا

در سال ۱۹۸۴ به میزان ۲۴/۳٪ بالا رفته است - در مقایسه با میانگین نسبت ۵/۱٪ در کشورهای روبه توسعه آسیا. نرخ زاد و ولد در آفریقا، بالاترین نرخ در جهان است (تنها قاره‌ای است

تولید سرانه ناخالص ملی در ۱۴ کشور کم - درآمد، به میزانی کمتر از پانزده سال پیش کاهش یافته است. میانگین درآمد در ۱۳ کشور، کمتر از زمان استقلال این کشورهاست. سازمان ملل، این بالاترین نرخ در جهان را

که میانگین نرخ رشد جمعیت رو به افزایش دارد) در سال ۱۹۸۴ به میزان ۲۴/۳٪ بالا رفته است. و میزان استفاده از تدبیرهای جلوگیری از حاملگی در مقایسه با میانگین جهانی، بسیار پایین است. در آفریقا یا بیشتر از هر قاره دیگری است. رو به توسعه آسیا. نرخ زاد و ولد در آفریقا، بالاترین نرخ در جهان است (تنها قاره‌ای است آفریقا و با توجه به میانگین نرخ رشد جمعیت که میانگین نرخ رشد جمعیت رو به توسعه آسیا ۲/۳٪ بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، کل جمعیت و میزان استفاده از تدبیرهای جلوگیری از حاملگی در آفریقا یا بیشتر از هر قاره دیگری است. برآورد می‌شود که در سال ۲۰۰۰، جمعیت آفریقا به ۴۴۰ میلیون نفر خواهد رسید. اساس تخمین کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا و با توجه به میانگین نرخ رشد جمعیت آفریقا در ۲۰ سال، ۲/۳٪ بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، کل جمعیت

متحد تخمین زده است که نیمی از نیروی کار در آفریقا کم اشتغال یا (نسبتی کمتر) بیکار هستند. نسبت کسانی که در کشورهای آفریقایی کمتر از حد لازم غذا می‌خورند به مراتب بیشتر از کشورهای آسیایی است. از ۷ میلیون کودکی که هر سال در جهان می‌میرند، ۵ میلیون آن را کودکان آفریقایی تشکیل می‌دهند. در آنجا کمتر از یک ششم جمعیت کشورهای رو به توسعه زندگی می‌کنند. کشورهای آفریقایی از کاهش حجم صادرات در تجارت در دوران رکود صدمه دیده‌اند و نسبت بدهی آنها به درآمدهای صادراتیشان

کشورهای رو به توسعه در آفریقا در این مدت از

کاهش درآمدهای صادراتیشان

۴۴۰ میلیون به ۸۳۹ میلیون نفر خواهد رسید. کاسیان و کشاورزان خرده‌پا و مانند آن است. دولتها مشخصا باید بیدریز کارایی مدیریت در بخش عمومی را بالا ببرد. میدانی برای اینکارهای بیشتر به وسیله کارفرماهای محلی و هدایت سرمایه‌گذاران خارجی به وجود آورد. قیمتها را متناسب با مرزها تعیین کنند و نرخهای تبدیل ارز خارجی را - که نه تنها موجب دلسردی در سرمایه‌گذاری و تولید می‌شود بلکه به قاچاق گسترده و بازار سیاه ارزهای خارجی می‌انجامد - حذف کنند.

بسیتر ارزیابیهای چاره‌گر درباره مشکل مواد غذایی در آفریقا بر اهمیت تمرکز منابع روی

تولید در سرمایه‌گذاری و تولید می‌شود بلکه به

بسیتر ارزیابیهای چاره‌گر درباره مشکل مواد غذایی در آفریقا بر اهمیت تمرکز منابع روی

اشتغال تولیدزا در مناطق روستایی تأکید می‌کند. ایجاد کارهای تولیدزا در روستاها و افزایش نیروی تولید روستاییان کوچک، هم برای بازده کشاورزی و هم در زمینه عدالت اجتماعی، بیشتر از هرگونه توسعه به ظاهر موجه خدمات عمومی به تهیدستان روستایی، سودمند است.

○ آنچه که در آفریقا انجام شد

اظهارنظرهای رسمی سازمانهای منطقه‌ای و کمیته‌های بین‌المللی یک چیز است، و تصمیم‌گیریهایی رئیس‌جمهور و رأیهای پارلمانی چیز دیگر. البته مهم عمل است، یعنی گامهای مشخصی که دولتهای آفریقایی برای کاربرد درسهای سخت ربع قرن تجربه، در سرعت بخشیدن به توسعه ملی برداشته‌اند.

فهرست اصلاحات در سیاستها و نهادها که در سه سال گذشته به وسیله دولتهای آفریقایی اعلام شده کامل نیست اما طولانی و مؤثر است. این فهرست بازتابی است از رویارویی با واقعتهای خشن و پاسخی است به نیازهای ترسناک و نیز یک تدبیر تشویقی مشخص است به وسیله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و دیگر سازمانهای توسعه. اما انگیزه هر چه باشد، حرکتهای سیاسی به سوی کارایی بیشتر اقتصادی و اداری شکل گرفته است. البته همه دولتهای آفریقایی تصمیمهای اصلاحی بنیادی اتخاذ نکرده‌اند، اما رهبران ملی کشورهای آفریقا یکی پس از دیگری با تغییر در سیاستها به شیوه‌های پیشنهادی به وسیله سازمانهای بین‌المللی آشنا می‌شوند.

افت پیگیر، حتی موفقترین اقتصادها را هم در آفریقا به سوی ناتوانیهای داخلی و کمبودهای خارجی کشانده است. همچنان که افت اقتصادی ادامه می‌یابد، کاهشها تقریباً در تمامی کشورهای آفریقایی صورت می‌یابد. دست کم ۱۷ کشور در سه سال گذشته ارزش پول خود را کاهش داده‌اند. ولی بعداً تعداد بسیار کمتری توانسته‌اند تعادل در نرخ ارز را حفظ کنند. همه جا کسر بودجه با مهار جدی رشد هزینه‌های عمومی متوقف شده، که خود بر درآمد کارکنان بخش عمومی و روحیه آنان تأثیر منفی گذاشته و تقریباً همیشه بر ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و کشاورزی و نگهداری آنها، اثر زیانبار داشته است. سرمایه‌گذاریهایی عمومی تازه و پرداخت کمک (= سوبسید) کاهش یافت. دست کم هفت مورد کمک برای مصرف‌کنندگان (= سوبسید) کاهش داده شد، در برابر همین تعداد افزایش نرخ بهره دیده شد. بسیاری از دولتها، مالیاتهای تازه بویژه روی واردات و مسافرت وضع کردند. کنترل پیشین اداری پیچیده و مبهم بر ارز خارجی در برخی کشورها با تخصیص سهمیه بندی واردات و تعرفه‌های گمرکی و ارزهای خارجی در بعضی از کشورها افزایش یافت، ولی در کشورهای دیگر، کنترل ارزهای خارجی و واردات دیگر آزاد شد.

تا نیمه سال ۱۹۸۴، ۱۴ دولت آفریقایی ترتیبات "آماده باش" کوتاه مدت برای تثبیت و تعدیل با صندوق جهانی پول داشته و تنها یک کشور برنامه‌ای سه ساله برای گسترش تسهیلات داشت. در سالهای اخیر، برنامه‌های میان مدت صندوق بین‌المللی پول برای تعدیل در نیازهای فراتراز تثبیت اضطراری به اجرا درآمد. در چندین کشور، بانک جهانی و کمکهای دو جانبه با هدف بالا بردن

جنبه عرضه در تعدیل و فزودن بر بهبود رشد اقتصادی به کمک صندوق بین المللی پول آمدند. کمکهای توسعه به تأمین اعتبار برای وارد کردن کالاهای تولیدی و لوازم یدکی و ترمیم ظرفیتهای تولیدی موجود و زیربنایی، تلاشها برای بازسازی اقتصادی و از جمله اصلاح نهادی و اصلاح در خط-مشیها را فعالتر کرده است.

دست کم ۱۶ کشور، سقف قیمت برای تولیدات کشاورزی را برداشتند، یا آن را یکسره آزاد کردند. تدبیرهای گوناگونی به منظور کاهش نقش و مشارکت دولت در تنظیم یا راه اندازی بازار داخلی و به منظور توجه بیشتر به بازار خصوصی و تعاونی، اعلام یا پیشنهاد شد. بسیاری از دولتهای آفریقایی، اولویت بیشتری به هزینه های کشاورزی در بودجه دولتی خود دادند.

دست کم ۱۰ کشور، اصلاحاتی در وزارتخانه های ناکارآمد و خدمات جنبی به وجود آوردند و دیگر کشورها برای این کار برنامه ریزی کردند؛ که این اصلاحات توجه مسئولیتها به روستا و کانونهای تحت نظارت کشاورزان را شامل می شود.

○ واکنش جامعه بین المللی

بحرانهای چندگانه آفریقا و توجه فزاینده رهبران آفریقایی به اصلاحات اقتصادی در جامعه بین المللی به عنوان تلاشی برای عمل متناسب تلقی شد.

* مدیریت بانک جهانی، یک برنامه مشترک اجرایی را برای منطقه جنوب صحرائی آفریقا به عنوان محور واکنش بین المللی پیشنهاد کرد. وزیران دارایی کشورهای آفریقایی و کشورهای کمک کننده در دیدار ماه سپتامبر کمیته توسعه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، این برنامه را تصویب کردند و یادآور شدند که اجرای آن نیازمند تلاشهای هماهنگ و استوار دولتهای آفریقایی، کمکهای دو جانبه و سازمانهای بین المللی است. این برنامه از تمامی مؤسسه های کمک به توسعه " برنامه های ترمیم و توسعه ملی " که تعدیل میان مدت ساختاری و توسعه نهادی دراز مدت را در بر می گیرند، تقاضای پشتیبانی هماهنگ شده را کرده است. برنامه های " بنیادی " گسترده برای جمعیت، بهداشت، آموزش و کارآموزی، فن شناسی کشاورزی، و حفاظت اکولوژیکی، جدا از تغییرات در کمک به سیاست اصلاح اقتصادی، پیشنهاد شده است. هماهنگی در سطح کشور باید گسترش یافته و فشرده شود و تعهدهای دو جانبه ویژه را به وسیله کمک کنندگان و دریافت کنندگان و کارکنان میدانی قویتری را از سوی مؤسسه های کمک دهنده دربرگیرد. با توجه به پیش بینی افزایش سریع استهلاک پرداختها در سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۷ به اضافه افزایش بازپرداخت به صندوق بین المللی پول، گزارش از فعالیتهایی پشتیبانی می کند که از کاهش عمده جریان مالی خالص به منطقه جنوب صحرائی آفریقا در مقایسه با سالهای ۱۹۸۰ - ۱۹۸۲ پشتیبانی می کند. بدین جهت تهیه یک برنامه زمانبندی چند ساله و فشرده پرداخت وام را به بخش عمومی و وام دهنده های خصوصی، تشویق بیشتر سرمایه گذاریهای خارجی، و کمکهای امتیازی - شامل صندوق کمکهای اتفاقی برای تسهیل اجرا و

کمک کافی به کشورهای آفریقایی که برای انجام اصلاحات عمده یا برنامه‌های بازسازی آمادگی دارند - پیشنهاد شده است.

* با توجه به عدم توافق کمک کنندگان عمده برای تأمین اعتبار تکمیلی هفتمین برنامه توسعه بین - المللی بانک جهانی، یا برای تأمین اعتبار ویژه این برنامه برای کمک به مناطق جنوب صحرائی آفریقا، مدیریت بانک جهانی تنها می‌تواند در تخصیص اعتبارهای این برنامه بیشترین اولویت را به آفریقا بدهد. وام‌های بدون امتیاز بانک را گسترش داده، اعتبارهای لازم را از طریق برنامه‌های همکاری مالی بین المللی تأمین کند. تجدیدنظر در بسندگی کمک‌های هفتمین برنامه توسعه بین - المللی بانک جهانی تا سال ۱۹۸۵ به تعویق افتاد. هرگونه پیش بینی برای کمک تکمیلی این برنامه، نیاز به کمک‌های بیشتر و کاراتر از کمک‌های دو جانبه و دیگر سازمان‌های چند جانبه مربوط را برطرف نمی‌سازد. وزیران دارایی کشورهای عضو، بانک را به " جستجوی دیدگاه‌هایی برای تجهیز منابع لازم برای اجرای برنامه‌های پیشنهاد شده در منطقه جنوب صحرائی آفریقا با کمک‌دهندگان مختلف " ترغیب کردند.

* در ماه مه، اعضای بانک توسعه آفریقا با کمکی به مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار به صندوق توسعه آفریقا برای مصرف در سه سال ۱۹۸۵ - ۱۹۸۷ موافقت کردند. این کمک در سنجش با کمک پیشین، افزایشی به میزان ۵۰٪ را نشان می‌داد. همچنین اعضای بانک، رئیس بانک را به تجدید نظر در خاستگاه‌های بانک تشویق کردند تا بتواند نقشی عمده‌تر در راهنمایی دولتهای آفریقایی و کمک به برنامه‌های بخشی به عهده گیرد که این امر دست آنها را بازتر خواهد کرد.

* سازمان‌های کمک‌های فنی ملل متحد، در جستجوی راه‌هایی برای بهبود برنامه‌های مربوط به نیازها در آفریقا هستند تا بتوانند جنبه‌های اجتماعی و نهادی توسعه را در خلال دوره، تداوم ضعف مالی در کشورهای کم درآمد، تقویت کنند.

اعضای کمیته کمک‌های توسعه (DAC) سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (O.E.C.D) در گزارش نیمساله خود از روند کمک‌ها، گام‌های بیشتری را که به وسیله بسیاری از آنها برای افزایش کمک به کشورهای کم درآمد جنوب صحرائی آفریقا و افزایش کارایی این کمک، برداشته شده گزارش کرده‌اند. آنها جملگسی ادعای استوار کشورهای آفریقایی را برای پشتیبانی کافی از تلاش در تعدیل ساختارها و بویژه با توجه به مشکلات چند گانه رکود اقتصادی، بدهیها، محدودیتهای وارداتی و خشکالی را، پذیرفته‌اند. ایالات متحد تصمیم گرفته که میزان کنونی کمک‌های اقتصادی خود را در طی چند سال به کشورهای آفریقایی که تدبیرهای اصلاحی - تعدیلی در پیش گرفته‌اند، افزایش دهد. بیشتر کشورهای عضو کمیته کمک‌های توسعه (DAC)، کمک‌های غذایی خود را به آفریقا افزایش داده‌اند از جمله: ژاپن که تاکنون در آفریقا نقشی بازی نمی‌کرد، کمکی ۱۰۰ میلیون دلاری را تعهد کرد، کانادا و فرانسه ۳۵٪ و آلمان ۱۷٪ بر کمک‌های خود افزودند و کمک غذایی ۴۳۸ میلیون دلاری آمریکا به این منطقه افزایش ۱۰۰٪ را به نسبت سال

۱۹۸۳ نشان می‌دهد. آلمان آمادگی خود را برای برنامه اعطای وام‌های دو جانبه به توسعه بخشهای کلیدی در منطقه جنوب‌صحرای آفریقا اعلام داشته است. بیشتر این کشورها کمکهای خود را متوجه تدبیرهای کوتاه‌مدت و میان مدت کرده‌اند، مانند: فعال کردن ظرفیتهای موجود تولید در کشاورزی و صنعت؛ ترمیم و نگهداری تسهیلات و خدمات کلیدی؛ و حمایت از بهره‌های پیشین توسعه در برابر اثرات کاهش.

منطقه جنوب‌صحرای آفریقا در سال ۱۹۸۳، ۳۱/۷٪ کمکهای رسمی دو جانبه توسعه کشورهای عضو کمیته کمکهای توسعه DAC را دریافت کرد که به مراتب بیش از ۲۵/۷٪ این کمکها در سال ۱۹۷۵ بود. کل کمکهای دریافتی آفریقا در سال ۱۹۸۳، ۳۰/۱٪ کمکهای توسعه در سطح جهان از کمکهای چند جانبه و دو جانبه (از جمله کمکهای دو جانبه کمیته کمکهای توسعه) بوده است. مجموع کمکهای رسمی توسعه برحسب ارزش کنونی دلار به کشورهای جنوب‌صحرای آفریقا (جدا از کمک به کشورهای نیجریه و کامرون که عضو اوپک هستند) در سال ۱۹۸۳ برابر ۷/۷ میلیارد دلار (۲/۴ میلیارد دلار به صورت وام و بازپرداخت ویژه، و ۵/۳ میلیارد دلار به صورت کمک) بوده است.



— چه بد مزه‌س!؟

— مال خودمو تا قطره آخر دوشیدن!

اگر تصمیمها، پیشنهادهای بی تکلیف و بازنگری در خاستگاهها که در بالا آمد، به وسیله دولتهای افریقایی و سازمانهای کمک دهنده به کار بسته شود، چشم انداز فعال کردن توسعه در آفریقا بسیار روشنتر خواهد بود. تنها چند نکته لازم به اشاره و تأکید است:

بهبود اقتصادی، در چند سال آینده می تواند در مفهوم برنامه های تعدیل ساختار، با کمک بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دستیافتنی باشد. در آنجا که چنین جارجویی برای سیاستها و تدبیرها، به منظور تسریع رشد اقتصادی در جای خود نیست، اتخاذ و انجام آن باید صورت گیرد و سازمانهای توسعه باید به این هدف کمک کنند. این بدان معنا نیست که تمامی کمکهای اقتصادی باید صرف تعدیلهای ساختاری میان مدت شود یا مشروط به اجرای برنامه های تعیین شده دولتهای دریافت کننده باشد. بلکه هدف آن است که فعالیتهای کمکی با موشکافی بیشتری انتخاب شود و ناتواناییهای اقتصادی که می تواند با تعدیل ساختاری آشکار شود، به شمار آید. سازمانهای مالی و توسعه، جامعه بین المللی می توانند با دوراندیشی بیشتر و همکاری نزدیکتر ملتتهای افریقایی را توان آن ببخشند که پیشرفتهای سخت کوشانه خود را در زمینه خدمات مهم اجتماعی و فنی که به وسیله ضعف مالی و تورم فلج شده است برای آینده نجات دهند. این "برهوت نهادی" - یعنی پریشانی بهداشتی در روستاها و آموزشهای پایدار و کارآموزی و گسترش کشاورزی - فقر و نابرابری را که فعال کردن توسعه را دشوار می سازد، تهدید به فزونی می کند. به منظور برگرداندن این روند گزارش، وزن بیشتری باید به ابعاد اجتماعی برنامه ریزی برای تعدیل اقتصادی و برنامه ریزی اجرایی داده شود؛ از جمله دقت بیشتر در تخصیص مجدد اعتبارها و اصلاح مدیریت به منظور حفظ عملکردهای اجتماعی و فنی.

در حالی که ما روای تازه، تعدیل برنامه را دریافتیم یا ساختمان نهادهای اجتماعی را دوباره کشف کرده ایم، راهبرد (استراتژی) های ملی تعدیل نباید کار مربوط به گذشته انگاشته شود. راهبرد غذایی هنوز هم بهترین مکانیزم برای رده بندی گزینش هدفها، اولویتها، سرمایه گذاریها و تخصیص منابع دیگر برای دستیابی به امنیت غذایی در کشورهای افریقایی و شهروندان آسیب پذیر آنها، به شمار می رود. از این روی، راهبرد غذایی می تواند محور یکپارچگی برنامه های گسترده تر توسعه ملی باشد. برای تکمیل و تداوم بهبود راهبردهای ملی غذایی و پشتیبانی از انجام آنها، ادامه کمکهای خارجی لازم است.

کمکهای غذایی به جهت اهمیتی که در افزایش کل کمک به کشورهای جنوب صحرائی آفریقا دارد باید تا آنجا که امکانپذیر است، با برنامه های توسعه ملی و بخشی آمیخته شود.

توان عملکرد سازنده آن در صورتی می تواند دریافت شود که دست کم مانند دیگر شکلهای کمک با توجه به کارایی توسعه مورد نظر قرار گیرد؛ عملکرد سازنده آن در این زمینه ها است: در تأمین مالی

ساختمانهای زیربنایی روستایی کارگر بر و نگهداری از آنها؛ در کاستن و اطمینان دادن از خطر تغییر عمده در سیاستهای قیمت گذاری مواد غذایی؛ در ایجاد موازنه پرداختهای لازم برای یک برنامه؛ تعدیل ساختاری؛ و در هدف گرفتن رهایی از گرسنگی.

جامعه بین المللی بدون آنکه منتظر کمکهای تکمیلی هفتمین برنامه کمک به توسعه بین المللی بانک جهانی باشد، باید گامهای بلندتر و هماهنگی برای تأمین کمکهای مالی و فنی به منظور کمک به بهبود توسعه در آفریقا بردارد. ترکیبی از تغییرات اساسی در تخصیص کمکها؛ رهایی از بدهیها؛ گسترش تسهیلات صندوق بین المللی؛ استفاده؛ مسئولانه تر از امتیازهای صادراتی؛ تشویق سرمایه - گذاری و وامهای خصوصی برای سال ۱۹۸۵ و بعد از آن مورد نیاز است. با وجود آنکه حجم جهانی کمکهای رسمی توسعه DAC در چند سال آینده به شکل واقعی خود سالانه حدود ۲٪ افزایش خواهد یافت و افزایش کمک کشورهای عضو اوپک قابل پیش بینی نیست، گشایش بیشتری برای افزایش کمک به آفریقا وجود خواهد داشت. از این گشایش باید بیدرنگ و به درستی استفاده کرد و این به علت نیاز سخت کشورهای جنوب صحرائی آفریقا به کمک است؛ و این باید با انواع تصمیمهای ملی برای تعدیل ساختاری و اصلاحات توصیه شده به وسیله سازمانهای منطقه‌ای آفریقایی و با گامهای اولیه‌ای که بسیاری از دولتها برداشته‌اند، تقویت شود. اولویت آشکار در تخصیص کمک برای توسعه، باید به کشورهای آفریقایی این چنین داده شود؛ کشورهایی که به افزایش اندک بودجه کمک محدود نشده، بلکه با انتقال از کمکهای مالی یا امتیازهای مختلط به صورت کشورهای با درآمد متوسط در می‌آیند.

واکنش کمکهای فوری و کافی به تعهدهای جدی برای توسعه به وسیله دولتها و مردم آفریقا، می‌تواند از اهمیت تاریخی برخوردار باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی